

نوآوری علمی و تقلید ادبی در سروده‌های ابن سینا

** فرامرز میرزایی
دانشگاه تربیت مدرس

* علی باقر طاهری نیا
دانشگاه تهران

چکیده

حکیم فیلسوف، دانشمند و ادیب نامدار ایرانی، ابوعلی سینا ملقب به شیخ‌الرئیس، افزون بر آثار گرانبها و متعددی که در زمینه علوم مختلف از قبیل، طب، فلسفه، منطق و ... به رشته تألیف درآورده است، در زمینه ادبیات و به‌ویژه شعر با تألیف کتاب الشعر به ابراز نظر و اظهار رأی پرداخته است. به‌این ترتیب او علاوه بر مقولات علمی و تجربی در عرصه‌های شعر و شعور و عاطفه نیز قلم زده است. در مقاله حاضر تلاش خواهد شد تا با اشاره به مضامین جدید علمی - فلسفی در سروده‌های ابن سینا، به این واقعیت پرداخته شود که او در سروده‌ها و اشعار شخصی‌اش به تقلید از شعرای گذشته و تبعیت از اسلوب کلاسیک شعر پرداخته است. به‌این ترتیب، سروده‌های او از منظر علمی، نو و از نگاه سبک‌شناسی تقلید و تبعیت به‌شمار می‌روند.
کلیدواژه‌ها: ابن سینا، ادبیات، شعر، نوآوری، تقلید.

The Scientific Innovation and Literary Imitation in the Poems of Avicenna

Ali Bagher Taheriniya, Ph.D.

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature
Faculty of Letters and Human Sciences, University of Tehran

Faramarz Mirzaee, Ph.D.

Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature
Faculty of Letters and Human Sciences, University of Tehran

Abstract

Avicenna, the famous sage philosopher, scientist and the well-known literary man of Iran, surnamed Shikh Al-Rayis, has written valuable works on a wide range of subjects such as the works on medicine, philosophy, logic and so on. He also authored works on literature in particular on the poetry of which "kitab al-sheer" (the book of poetry) presents mostly his points of view. So in addition to scientific and experimental categories, he has written books in the field of poetry, consciousness, and sentiment. In this paper, the authors try to concentrate on new scientific-philosophic contents of his poems and to argue this fact that he has imitated past poets and has followed the classical poetic styles in order to compose his personal poems. Therefore, his poems are regarded an innovation from scientific point of view and an imitation with view to stylistics.

Keywords: Avicenna, literature, poetry, innovation, imitation.

* دکترای زبان و ادبیات عربی از دانشگاه بوعلی سینا، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
** دکترای زبان و ادبیات عربی از دانشگاه بوعلی سینا، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مقدمه

قرن چهارم هجری در ایران زمین، معاصر حکومت سامانیان را به سبب تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی از دوران طلائی تمدن اسلامی در ایران برشمرده‌اند. وجود کتابخانه‌های بزرگ و غنی در دوره سامانیان از جمله عوامل بسترساز تجلی پژوهش‌ها و تکمیل مطالعات بزرگ مردانی چون ابن‌سینا بوده است. او خود می‌گوید «در کتابخانه بخارا به هر چه حاجت داشتم مراجعه کردم و کتاب‌هایی دیدم که بسیاری از مردم اسم آن‌ها را هم هرگز نشنیده بودند و من نیز قبل از این آن‌ها را ندیده بودم و بعد از آن هم نیافتم»^۱.

«ابوعلی سینا(حسن) بن عبدالله بن سینا (که اروپایی‌ها او را به نام Avicenna می‌شناسند) در صفر سال ۳۷۰ هـ، ۹۸۰م در آفشنه نزدیک بخارا متولد شد»^۲.

ابن‌سینا در طول زندگی خود به القاب متعددی ملقب شده است که هر یک از آن‌ها بیانگر بعدی از ابعاد شخصیت بزرگ ایشان می‌باشد. از آن جمله است: «حجة الحق، شرف الملک، الحکیم الوزير، الشیخ الرئیس»^۳.

لقب اخیر وی یعنی شیخ‌الرئیس به‌زودی دو بعد مهم وجودش را مکشوف می‌نماید؛ زیرا شیخ لقبی است علمی و رئیس لقبی سیاسی و به‌این ترتیب شیخ‌الرئیس علم و سیاست را با هم جمع نموده است. پر واضح است که لقب شیخ در افرادی دیگر تعین خاص پذیرفته است از آن جمله شیخ طوسی و شیخ اشراق و ...

احمد فؤاد می‌گوید: «شیخ‌الرئیس نشان از اشتغال ابن‌سینا به علم و حکمت از یک‌سو و سیاست و وزارت از دیگر سو دارد و به‌این ترتیب او مصداق حاکم فیلسوف موردنظر افلاطون است»^۴.

ابن‌سینا دانشمند نامدار ایرانی با داشتن بیش از ۲۷۶^۵ اثر تألیف‌شده در ظرائف و دقائق بسیاری از علوم وارد شده، با نگاه نافذ و نظر صائب خود به ابراز عقیده پرداخته است. آراء ارزشمند و عالمگیر وی که مبدأ و منشأ تحول و توسعه علمی دنیا شده به قدر لازم مورد کندوکاو قرار گرفته و هر چند این مطالعات در اندیشه‌های علمی - فلسفی او نیز به قدر

۱- طبقات الاطباء، ابن ابی صبیحه، ج ۲، ص ۴.

۲- تاریخ الادب العربی، کارل برو کلمان، مصر، الهيئة المصریة العامه، ص ۱۱.

۳- باب المقال، بسام علیق، ص ۱.

[Http://www.bab.com/articles](http://www.bab.com/articles)

۴- نوانغ الفكر العربی، احمد فؤاد ال‌اهوانی، مصر، دارالمعارف، ص ۱۹.

۵- باب‌المقال، بسام علیق، ص ۱.

کفایت انجام نشده است ولی همان نیز از میزان مطالعاتی که در باب شخصیت ادبی ابن فیلسوف حکیم انجام شده بس چشمگیر و قابل ستایش است. در این فرصت تلاش خواهد شد. تا سهم ادبیات و به‌خصوص شعر در آثار ابن‌سینا به اجمال بیان شود و از این رهگذر به «نوآوری علمی و تقلید ادبی در سروده‌های ابن‌سینا» دست پیدا کنیم.

ابن‌سینا افزون بر کتب ارزشمند علمی و فلسفی آثاری ادبی نیز به رشته تألیف و تدوین در آورده است و از آن جمله: کتاب‌الشعر، رسائل در موضوعات مختلف، قصاید، ارجوزه‌ها، لغت‌نامه^۶، تفسیر و موسیقی. در این میان سهم شعر در آثار ابن‌سینا را ۲۲ قطعه و رباعی به زبان فارسی و مجموعاً ۶۵ بیت دانسته‌اند و این درحالی‌ست که تعداد ابیات و قطعه‌های عربی اشعار او بسی بیشتر از این است. صاحب کتاب مؤلفات ابن‌سینا آثار شیخ‌الرئیس را در زمینه شعر بر شمرده است و در این میان به کتاب شفاء فن نهم اشاره نموده است که در آن به انواع ساختار شعر، محاکات شعر، کیفیت شعر: حسن ترتیب شعر، تقسیم الفاظ و هماهنگی آن با انواع شعر، و جوه تقصیر شاعر پرداخته است.^۷

بی‌شک مطالعه و بررسی اشعار و ادبیات ابن‌سینا از جهات مختلف مفید فایده خواهد بود: — ادبیات ابن‌سینا اعم از آثار منظوم و متشور او در برگزیده بخشی از افکار و ایده‌های اوست که ممکن است در سایر تألیقات و دست‌نوشته‌های او به‌این ترتیب و تدوین عرضه نشده باشد. — شخصیت علمی-ادبی و اخلاقی ابن‌سینا از چنان جامعیت و شمولی برخوردار است که به‌سادگی ورود در عرصه ادبیات مورد انتظار است، لذا در بررسی ابعاد شخصیتی او باید برای این موضوع عرصه‌ای جدا در نظر گرفت. — نوآوری‌های او در نثر و نظم و نیز اهتمام جدی به اشعار تعلیمی به تنهایی کفایت تا ضرورت پژوهش در این عرصه به اثبات برسد.

تعریف شعر از نگاه ابن‌سینا

ابن‌سینا با تألیف «کتاب الشعر» به کتاب «فن‌الشعر» ارسطو اقتدا نموده است. وی که به بیان جنس و فصل شعر و تقسیم و دسته‌بندی آن پرداخته است، «در حقیقت به شرح و تحلیل کتاب ارسطو پرداخته و میان اغراض شعر عربی و یونانی مقایسه‌ای انجام داده است.»^۸

۶- همان منبع، ص ۱.

۷- مؤلفات ابن‌سینا، الاب قنوتی جورج شماقه.

۸- نوانج الفكر العربی، احمد فواد الاهوانی، ص ۳۴.

تعریف ارائه شده از سوی ابن سینا محصول اندیشه مبتنی بر قواعد منطقی است از این رو با ذکر جنس مشترک و بیان فصل‌های ممیز سعی نموده تا مصداق تعریف ارائه شده تنها همان چیزی باشد که در پی تعریف آن است. وی می‌گوید: «الشعر کلام مخیل مؤلف من اقوال ذوات ایقاعات متفقه متساویه متکرره علی وزنہا. متشابهة حروف الخواتیم.»^۹ در تعریف فوق کلام جنس اول شعر است که خطابه و جدل را نیز شامل می‌شود و مخیل فصل بین آن و سخنان عرفانی و تصدیق و تصور منطقی است. ذوات ایقاعات متفقه موجب تمیز بین شعر و نثر است و متکرره موجب تمیز بین مصراع و بیت، متساویه موجب تمیز بین شعر و نظم و متشابهة الخواتیم موجب تمیز بین مقفی و غیر مقفی می‌شود.

این تعریف در حقیقت شرح و بسط تعریف شعر از نگاه ارسطو می‌باشد. وی شعر را اجمالاً «محاکات»^{۱۰} می‌داند. و ابن سینا شعر را از جمله آنچه مخیل و محاکات است بر شمرده است. در تفسیر مخیل بودن شعر گفته‌اند که «خیال برای شعر مانند علم است در برهان و ظن است در جدال و اقناع است در خطابه.»^{۱۱}

بنابراین با لحاظ قیود مذکور در تعاریف ارائه شده مرز میان فنون ادبی از قبیل نظم، نثر و شعر و خطابه روشن می‌شود. پرواضح است که در تعریف ارائه شده از سوی ارسطو قید تخیل ذکر نشده و به همین دلیل شعر موردنظر ایشان کلام منظوم را نیز شامل می‌شود.

ابن سینا که خود کتاب الشعر را پاسخگویی تمام سؤالات مربوط به مقوله شعر و انواع آن نمی‌داند، در خصوص تدوین کتابی مفصل وعده داده می‌گوید: «این خلاصه‌ای است از کتاب الشعر معلم اول. بعید نیست که خود ما تلاش کنیم و کلامی بسیار مفید و مفصل در علم شعر به نحو مطلق و نیز بنا بر عادت جاری این زمان ابداع نماییم اما در اینجا به همین مقدار اکتفا می‌کنیم.»^{۱۲}

موضوعات شعری ابن سینا

با تأمل در سروده‌های پراکنده فیلسوف و حکیم شاعر به زودی می‌توان آن‌ها را بر اساس سنخیت موضوع به دو دسته تقسیم کرد. هر چند وجه ممیز این دو دسته در حقیقت به نوعی

۹- همان، ص ۸۵، به نقل از جوامع علم الموسیقی، ابن سینا، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.

۱۰- فن الشعر، ارسطو، ص ۳.

۱۱- فصل‌نامه مفید، عباس احمدی سعدی، ص ۶، به نقل از کتاب الشعر ص ۵۰۲.

۱۲- همان، ص ۸، به نقل از الشفاء، المنطق، ج ۴ ص ۷۳.

به عنصر خیال برمی‌گردد ولی از آنجا که در هر دو قیود کلام موزون و مقفی وجود دارد لذا به تقسیم مبتنی بر موضوع پرداختیم.

۱- دسته اول از سروده‌های ابن‌سینا عبارتست از سروده‌های که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان شعر تعلیمی یاد کرد. در شعر تعلیمی، سراینده به دنبال آموزش معلومات است. او بیش از آن‌که در پی تصویرگری، ابداع و خیال‌پرازی باشد به دنبال انتقال دانسته‌های خود و آموزش آنها به دیگران است.^{۱۳}

شعر تعلیمی که نخستین آن از آن ابان بن عبدالحمید لاحقی متوفی سال ۲۰۰ ه می‌باشد عبارتست از کلام منظومی که مشتمل بر قواعد علمی و آموزشی است و چون فاقد عنصر خیال است آن را نظم می‌دانند نه شعر. شعر تعلیمی بر اساس طول آن به ارجوزه و شعر تعلیمی کوتاه تقسیم می‌شود. انگیزه شاعر از سرودن اشعار تعلیمی عبارتست از سهولت حفظ و قرابت طبع، و ابن‌مالک در مطلع الفیه نحوی خود در این خصوص می‌گوید:^{۱۴}

استعینُ اللهُ فی الالفیه مقاصدُ النحو بها محتویه
تقربُ الاقصى بلفظٍ موجز و تبسطُ البذل بوعدٍ منجز

ابن‌سینا در منظومه‌های کوتاهی به موضوعات مختلف فلسفی پرداخته است و پرداختن به قیاس، استقراء، نقیض، تمثیل، الفاظ خمس، مقولات عشر و ... را می‌توان از جمله اشعار تعلیمی کوتاه ابن‌سینا به‌شمار آورد. از آن جمله عبارتست از

— الالفاظ الخمسه

انّ من الذاتی ما معناه یكون حقاً فی جواب ما هو
ای ما الذی تکامل الموصوفُ به حتی یكون هو بسببه
اما الذی وقوعه اعمُ كما یقالُ جوهر او جسم
فانه اعمُ من ذی النفس و هو الذی تعرفه بالجنس

— الاستقراء

و ان یکن حکمُ علی کلی لاجل ما شوهد فی الجزیی
فذلک لمعروفٌ بالاستقراء قوته بکثرة الاجزاء^{۱۵}

۱۳- شعر را به دو دسته شعر اندیشه و شعر انگیزه تقسیم نموده‌اند. مراد از شعر اندیشه، آن دسته از اشعار است که شاعر به دنبال انتقال اندیشه و معلومات خود است نه خیال‌پردازی، تصویرگری و ابداع که در شعر انگیزه موردنظر شاعر است. ر.ک به الدر المنثور (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، علی باقر طاهری‌نیا، ص ۳۰ و ۳۱.

۱۴- شرح ابن عقیل، محمد محی‌الدین عبدالحمید، تهران، ناصر خسرو، ص ۱۱.

۱۵- نوابغ الفكر العربی، ص ۸۹.

— المقولات العشر

و كل نعتٍ فهو اما جوهر
و ليس بالموجود في الموضوع
بل مثلُ انسانٍ و مثلُ الشجره
و بعد الكيفِ كقولى حر
و كل من شابه او تشابهها

قوائمه بنفسه مقررُ
مثل وجود اللون و الترييع
او هو كمثل قولى عشره
او ابيضُ او منتن او مر
كيفية يعرفه القومُ بها

— القياس

ان القياس هو قولٌ و صفا
منها مقال غيرها يستلزم
فمنه ما يلزم باقتران

فى ضمنه اشياء كى يجتمع
و كان مجهولاً فصار يعلمُ
و منه بالشرطِ و ذاك ثانياً

— الحد

العلم منه ما هو التصورُ
و يحصل التصديقُ بالقياس
الحدُّ منه يحصل التصورُ

و منه تصديقُ لشيءٍ يخبر
و قد شرحناه بلا التباس
و الرسمُ ايضا منه فيه اثر^{۱۶}

از جمله اشعار تعلیمی بلند ابن سینا یا همان «ارجوزه» می توان به «الارجوزه الطيبة» وی اشاره کرد. «ابن سینا کتاب قانون خود را در الارجوزه الطيبة خلاصه کرده است.»^{۱۷} پرواضح است که پرداختن به موضوعی کاملاً علمی و تجربی مثل طب جز ویژگی «کلام منظوم» فاقد سایر عناصر تعریف شعر خواهد بود. بر همین اساس باید آن را در زمره آموزش و انتقال دانسته ها تلقی کرد. ابن سینا در این ارجوزه ابتدا به تعریف طب پرداخته آن را حفظ سلامت بدن از بیماری دانسته می گوید:

الطبُ حفظُ صحهٍ برءِ مرضٍ
من سببٍ فى بدنٍ و من عرض^{۱۸}

وی در بخش دیگری از این ارجوزه قوای مزاج را چون چهار عنصر اصلی طبیعت، چهار جزء دانسته می گوید:

و بعد ذلك العلمُ بالمزاج
اما المزاج فقواه اربعه

احكامه تعین فى العلاج
يفردها الحكيمُ او يجمع

۱۶- القصيدة المزدوجة فى المنطق ، ص ۲۷ .

۱۷- باب المقال، بسام عقيل ص ۲.

۱۸- نوابغ الفكر العربی، ص ۹۰.

من سخن و بارد و یابس و لین ینال حس اللامس^{۱۹}

علاوه بر ارجوزه‌های طبی، ابن‌سینا در قالب قطعه‌های کوتاه و گاهی در قالب یک یا دو بیت توصیه‌های بهداشتی عرضه نموده است. او به تقلیل جماع توصیه می‌کند و از نوشیدن آب پس از غذا نهی و تصریح می‌نماید که بیماری اندک را کوچک بشمارید زیرا هم چون آتش است که از یک شعله آغاز می‌شود:

اسمع جمیع وصیتی و اعمل بها
اقلل جماعک ما استطعت فانه
لا تشربن عقب اکل عاجلاً
لا تحقر المرض الیسیر فانه

او درباره عقرب گزیدگی چنین می‌گوید:
و من رای عشیة السهی

لم توذه عقربه بمسها
درباره زکام می‌گوید در آغاز سرماخوردگی فصد و در پایان آن استحمام توصیه می‌شود و میان آن دو نوشیدن آب جو که موجب سلامت جسم است:

فی اول النزلة فصد و فی
بینهما ماء شعیر به
اواخر النزلة حمام
صحت من النزلة اجسام^{۲۰}

ارجوزه دیگر ابن‌سینا در باب نفس است. وی این ارجوزه را با ابیاتی به فحامت و استحکام اشعار قدیم عرب آغاز کرده به تدریج به بیان دیدگاه خود پیرامون نفس می‌پردازد، وی در این قصیده که به القصیده الوراقییه معروف است می‌گوید:^{۲۱}

هبطت الیک من المحل الارفع
محجوبه من کل مقله عارف
ورقاء ذات تعزز و تمنع
و هی التی سفرت و لم تتبرقع
وصلت علی کره الیک و ربما
کرهت فراقک و هی ذات تفجع

صادق گوهرین در ترجمه این ابیات چنین می‌گوید: کبوتری بلندپرواز از نشیمن خود به جانب تو فرود آمد و با آن که هنگام طی این سفر دراز پرده از روی جمال دل‌آرای خود برداشته ولی از چشم هر عارف حق‌بینی سخت مستور ماند و چون از عالمی بالاتر فرود آمده بود با فضای تیره‌وتار این جهان خو نمی‌گرفت ...^{۲۲}

۱۹- همان، ص ۹۰

۲۰- دائرةالمعارف، العلم بطرس البستانی، بیروت، دارالمعرفه، ج ۱، ص ۵۳۷

۲۱- دائرةالمعارف، العلم بطرس البستانی، بیروت، دارالمعرفه، ج ۱، ص ۵۳۷

۲۲- حجة الحق ابو علی سینا، صادق گوهرین، تهران، توس، ص ۶۶۶.

۲- دسته دوم اشعاری که ابن سینا به عنوان یک شاعر و از سر تصویرگری و ابداع سروده است. در این دسته از سروده‌ها عناصری از قبیل خیال، شعور و احساس به قدر لازم و بلکه کافی به چشم می‌خورد و بر همین اساس سراینده آن را باید شاعر و برخوردار از موهبت شعری دانست. شعر که ماده شعور است عرصه تجلی و تصویر احساسات درونی و جوش و خروش‌های باطنی انسانست. بی‌تردید هر انسانی از آن‌جا که دارای شعور و احساس و عاطفه است، در تلاقی با فرازونشیب‌های زندگی از عوامل بیرونی متأثر شده و به شرط برخوردار از موهبت شعری، می‌تواند زیباترین تصاویر احساس و عاطفه را با استفاده از عنصر خیال‌پردازی خلق نماید و دیگران را نیز از سر سویدای خود آگاه و در نتیجه متأثر نماید.

ابن سینا که در گذر عمر خود از یتیمی، سفرهای متعدد، تصدی وزارت، تجربه حبس و زندان، مجالس سرور و طرب و ... را تجربه نموده است، در زبان شعر به هریک از آنان پرداخته است و این همان شعر شخصی و عاطفی موردنظر است.

نمونه‌های این اشعار در بخش تحلیل تقلید ادبی ابن سینا ذکر خواهد شد و از تکرار آن‌ها در اینجا خودداری شد.

تقلید ادبی در اشعار ابن سینا

شاید بتوان گفت ابن سینا به همان اندازه که در عرصه مقولات علمی به نوآوری و ابتکار پرداخته است در عرصه اغراض شعری به تقلید از گذشتگان روی آورده است. هرچند اثبات ادعای اول - یعنی نوآوری علمی - فلسفی - ابن سینا روشن‌تر از آن است که نیاز به استدلال و اقامه برهان داشته باشد، ولی بیان مصادیق و اثبات وجود عنصر تقلید در سروده‌های او اندکی نیازمند تحلیل و استدلال است.

ابن سینا آن‌جا که شعر از قبیل شعر انگیزه می‌سراید، قالب کلاسیک و اسلوب شعر قدیم را برگزیده همه چون شعرای عصر جاهلی، سخن را با وقف و ایقاف بر اطلال و دمن آغاز می‌کند. آنان (شعرای جاهلی) مطلع قصائد خود را به توقف بر منزلگاه یار سفر کرده و گریستن و ریختن یاران اشک بر ویرانه‌های آن اختصاص می‌دادند.^{۲۳}

امرئ القیس شاعر نامدار جاهلی در مطلع معلقه خود چنین آغاز می‌کند:^{۲۴}

۲۳- تاریخ الادب العربی، حنا الفافوری، تهران، توس، ۱۳۸۰، ص ۶۳

۲۴- المجانی الحدیثه، فواد افرام البستانی و المطبعه الکتاتولیه، بیروت، ج ۱ ص ۳۶.

قفا نَبِكِ مِنْ ذِكْرِ حَبِيبٍ وَ مَنْزِلٍ بِسَقَطِ اللَّوِيِّ بَيْنَ الدَّخُولِ فَحَوْمَلِ

فتوضح فالمرأه لم يعفُ رسمها لما نسجتها من جنوب و شمال

و ابن‌سینا می‌گوید ای رفیقان راه قدری درنگ کنید تا با اشک چشمان منزلگاه خالی آنان را سیراب کنیم آن منزلگاهی که آن‌چنان از بین رفته است که نه نشانی دارد و نه آثاری:

قفسا نجزی معاهدهم قليلاً نغيثُ بدمعنا الربعَ المحيلاً

تخونه العفاهُ كما تراه فامسى لا رسومَ و لا طولاً^{۲۵}

به‌این ترتیب افزون بر معنا که شاهدهی صادق است، وجود الفاظی از قبیل «قفا»، «نغيث»، «الربع»، «الرسوم» و «الطولول یادآور اندیشه شعر کلاسیک عرب است. او نه تنها هم چون شاعر جاهلی رفیق و همسفر خود را مورد خطاب قرار داده و از سرزنش ملامتگران سخن گفته، بلکه از مضمون سخن امری القیس نیز الهام گرفته و می‌گوید ای دوستان به سرزنش گران من بگویند که من صبر و شکیب خود را زیبا از کف دادم:

خليلی بلغ العذال انی هجرتُ تجملی هجرأً جميلاً^{۲۶}

وامری القیس نیز در معلقه خود به این معانی پرداخته می‌گوید: «ان كنت قد ازمعت صرمی فاجملی» و «لا تهلك اسی و تجمل»^{۲۷}.

ابن‌سینا در قصیده‌ای با محوریت حکمت و زهد اینچنین تعبیر رایج شعر قدیم را به‌کار برده، از بین رفتن آثار جوانی و نشانه‌های منزلگاه یار را یادآوری نموده به ابداع تصویر نو پرداخته است. وی می‌گوید نشانه‌های جوانی و نشان منزلگاه یار هر دو فرسوده شده است این یکی به واسطه ریختن اشک سفید گشته و آن دیگر از ریختن باران سر سبز^{۲۸}:

عفا رسمُ الشبَابِ وَ رسمُ دارٍ لهم عهدی بها مغنی رباب

فذاک ابیضُ من قطراتِ دمعی وذاک اخضرُ من قطرِ السحاب

وی به شیوه قدما، در شعر خود از معشوقه‌ای به نام سعدی نام می‌برد و هم‌چنان که مشهور است بسیاری شعری بزرگ در بیان عشق خود به معشوقه‌ای خاص با ذکر نام به تغزل پرداخته‌اند از آن جمله^{۲۹}: طرفه بن عبد، عمرو بن کلثوم، عنتره بن شداد.

۲۵-نواصیح الفكر العربی، ص ۳۴.

۲۶- همان، ص ۸۷.

۲۶-المجانی الحدیث، ج ۱ ص ۳۲ و ۳۳.

۲۸-ابن‌سینا، محمود مرعشی: قم، نوین سال ۱۳۴۱، ص ۴۳.

۲۹-المجانی الحدیث، ج ۱.

ابن سینا می گوید:

وقفت دموعَ عینی دون سعدی
علی جفنی لسعدی فرضُ دمعِ
علی الاطلالِ ما وجدت مسیلا
اقتُ له به قلبی کفیلاً^{۳۰}

افزون بر تقلید در زمینه سبک و اسلوب که به آن پرداخته شد، اغراض شعری سروده‌های ابن سینا همان اغراض قدیمی و مشهور شعر کلاسیک است. وی در زمینه حکمت، موعظه، اخلاق، غزل عذری، خمیره و فخر ... از خود سروده‌هایی برجای گذاشته است که به هر یک اشاره می‌شود.

الف: حکمت و موعظه: یکی از مهم‌ترین اغراض شعری ابن سینا موضوع حکمت و موعظه است و این امر تناسب و تلائم کافی با حکمت و فلسفه و شخصیت ابن سینا دارد. او با توصیه به تهذیب نفس، آن را موجب ترقی و تکامل دانسته در این میان به ذکر تمثیلی زیبا پرداخته، نفس را چون شیشه، علم را چون چراغ و حکمت را روغن (سوخ) آن دانسته است. وی می‌گوید.^{۳۱}

هدب النفس بالعلوم لترقی
و ذر الکل فهی للکل بیت
انما النفس کالزجاجه و العلم سراج و حکمة الله زیت
فاذا اشرفت فانک حی

وی در جایی دیگر می‌گوید اگر کسی به دنبال این است که دنیا را در یک حالت ثابت ببیند، به درستی که او در پی امری محال است.

و من یستثبت الدنیا بحال
یرم من مستحیل مستحیلاً^{۳۲}

نظیر این معنا به اشکال گوناگون در کلام سایر حکماء و شعر او نیز آمده است. مبتنی شاعر بزرگ عباسی (۳۰۳ هـ - ۳۵۴) می‌گوید: این‌گونه نیست که هر چه انسان بخواهد، به دست آورد زیرا گاهی باد در خلاف خواست کشتی می‌وزد.

ما کلُّ ما یتمنی المرءُ یدرکه
تجری الریاحُ بما لا تشتهی السفن^{۳۳}

از جمله اشعار حکمی وی به زبان فارسی عبارتست از :

ای کاش بدانمی که کیستی
سر گشته به عالم از پی چیستی
گر مقبلم آسوده و خوش زیستی
و رنه به هزار دیده بگریستی

۳۰- ابن سینا، ص ۴۷.

۳۱- نوابغ الفكر العربی، ص ۳۸.

۳۲- ابن سینا، ص ۴۷.

۳۳- دیوان ابی الطیب المتنبی، شرح مصطفی سبیتی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ص ۲۳۵.

ای در دو نفس عمر تو افزایشده
بادی است نفس شونده و آینده
بر باد نهاده ای بنای همه عمر
بر باد کجا بود بنا پاینده

لذات زندگی همه هیچ است پیش من
در خاطر از تزلزل آن هیچ ترس نیست
روز تنعم و شب عیش و طرب مرا
نیکوتر از شب مطالعه و روز درس نیست

ب: غزل: اقبال شیخ به لذت‌ها و شهوت‌های حسی نیز می‌تواند گواهی بر سرودن اشعار عاشقانه و غزل‌های حسی او باشد. احمد فواد الاهوانی می‌گوید: «او به رغم فیلسوف بودنش که باید از دنیا روی گردان می‌بود ولی در دام لذت‌ها و شهوات، شراب و زن افتاده هر چند علت این امر به اقتضاء معاشرت و مجالست او با مردم بود.»^{۳۴}

به این ترتیب بستر غزل‌سرایی در شعر ابن‌سینا وجود دارد و مصادیق موجود نیز موید همین امر است. اما آن‌چه در تقسیم غزل در میان ادباء رایج است و در این مجال نیز موضوعیت دارد عبارتست از تقسیم غزل به دو نوع عذری و اباحی.^{۳۵}

هرچند در تعریف غزل عذری تنوع اقوال وجود دارد ولی یکی از تعاریف آن که حاکی از این است که شاعر در غزل عذری تنها به یک معشوقه دل می‌بندد و از این رو عشق او صادق و طاهر است.

وی در خلال قطعه‌ای پس از ذکر نام سعدی چنین می‌گوید: چه بسیار دل‌داری که مرا به سوی خود خواند ولی هرگز برای این خواست خود راهی نیافت

و کم اخت‌لها خطبت فوادی *تال جامع علوم* فما وجدت الی عذری سییلا^{۳۶}

به این ترتیب خواه سعدی معشوقه واقعی ابن‌سینا باشد یا از باب رمز و کنایه، در هر صورت در مقام تحلیل این غزل باید آن را در زمره غزل عذری به‌شمار آورد.

ج - خمیره: ابن‌سینا در توصیف شراب گاه‌وبیگاه ابیاتی دارد و از آن جمله ابیاتی است که می‌توان به‌زودی تأثیر آن را در خمیره ابن‌فارض مصری دید. البته پرواضح است که خمیره ابن‌سینا آمیخته‌ای از خمیره و آراء فلسفی است و خمیره ابن‌فارضی ترکیبی از خمیره و عرفان است.

۳۴- نوایغ الفکر العربی، ص ۲۶.

۳۵- تاریخ الادب العربی، شوقی ضیف، مصر، دار المعارف، از ص ۳۵۹ تا ۳۶۴.

۳۶- نوایغ الفکر العربی، ص ۴۷.

ابن سینا می‌گوید:

شربنا علی الصوتِ القديمِ قديمةً
و لو لم تكن فی حیزِ قلتُ انها
لكلِّ قديمٍ اولٌ هی اولٌ
هی العلةُ الاولى التي لاتعلل^{۳۷}

ابن فارض (۵۷۶ هـ) نیز در خمیره مشهور خود می‌گوید:

شربنا علی ذکر الحبيبِ مدامهً
لها البدر كاسٌ و هی شمسٌ یدیرها
سكرنا بها من قبل ان یخلق الكرمُ
هلالٌ و كم یبدو اذا مزجت نجمُ
و لولا نذاها ما اهتدیت لجانها
و لولا سناها ما تصورها الوهم^{۳۸}

ما به یاد محبوب شرابی نوشیدیم پیش از آن که درخت و تاکی خلق شده باشد. قرص کامل ماه جام آن و آن خود چون خورشید درخشان و گاه چون ستاره بود که ماه روئی در مجلس می‌گرداند. اگر رایحه عطراگین آن نبود به آنجا راه نمی‌یافتیم و اگر درخشش آن نبود هرگز خیال آن را تصور نمی‌کرد.

همچنین در ضمن سروده‌های فارسی خود، در مقام بیان علت تحریم شراب از سوی شرع مقدس با ذکر دلیل ادعایی ارائه به تعلیل پرداخته می‌گوید:

می از جهالت جهال شد بشرع حرام
شراب را چه گنه زانکه ابلهی نوشد
چو ماه کز سبب منکران دین شد شق
زبان بهره‌زه گشاید و دهد بیاد ورق^{۳۹}

او در جایی دیگر چنین می‌گوید:

می حاصل عمر جوانیست بده
سرمایه لذت جوانی است بده

سوزنده چو آتش است، لکن غم را سازنده چو آب زندگانی است

ابن سینا در ارجوزه طیبه خود ابراز می‌دارد که نوشیدن شراب به شرط رعایت اعتدال مضر نخواهد بود. به این ترتیب در ضمن شعر تعلیمی به تفسیر نکته‌ای اخلاقی - عقیدتی پرداخته می‌گوید:

فی الشراب لا تقصد الی الكثير
ایاک ان تسکر طول الدهر
واقنع من النبیذ بالیسیر
ان لم یکن فمرة فی الشهر^{۴۰}

۳۷- همان، ص ۴۸.

۳۸- دیوان ابن فارض، لبنان، بیروت و المكتبة الثقافية، ص ۸۲.

۳۹- ابن سینا، ص ۵۲.

د: فخر: از دیگر موضوعات شعری ابن‌سیناست و البته این بدان معنا نیست که حجم قابل توجهی از سروده‌های او در باب فخر باشد، ولی با تأمل در ابیات و سروده‌های او به زودی می‌توان به شواهدی بر خورد که در آن ابن‌سینا به فخر و مباهات به دانسته‌ها و توانمندی‌های خود پرداخته است. از آن جمله آن‌گاه که خود را صاحب قلم و شمشیر هر دو دانسته، می‌گوید همچنانکه قلم به من خدمت می‌کند، شمشیر بران نیز در خدمت دستان قدرتمند من است.

إني و ان كانت الاقلامُ تخدمني كذلك يخدمُ كفي الصارمُ الخدم^{۴۱}

ه: زهد: موضوعی است که از نگاه ژرف‌اندیش ابن‌سینا مغفول نمانده است. او چنین می‌گوید:

در پرده سخن نماند که معلوم نشد کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد

در معرفت چو نیک فکری کردم معلوم شد که هیچ معلوم نشد

یک یک هنرم بین و گنه ده ده بخش جرم من خسته حسبه لله بخش

از باد فنا آتش کین بر مفرور ما را به سر خاک رسول الله بخش



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴۰- نوابغ الفكر العربي، ص ۳۷

۴۱- ابن سینا، ص ۴۵.

منابع:

- باب المقال، www.bab.com/article
- بروکلیمان، کارل. تاریخ الادب العربی. مصر: الهیئه المصریه العامه. ص ۱۱.
- دائرہ المعارف، المعلم بطرس البستانی، بیروت، دارالمعرفه.
- دیوان ابن قارض، لبنان، بیروت، المكتبه الشفافیه.
- دیوان ابی الطیب المتنبی، شرح مصطفی سبیتی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- شرح ابن عقیل، محمد علی الدین عبدالحمید، تهران، ناصر خسرو، ص ۱۱.
- ضیف، شوقی. تاریخ الادب العربی. مصر: دارالمعارف.
- طاهری نیا، علی یاقر. ۱۳۷۵. الدر المنثور (پایان نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه تهران.
- الفاخوری، حنا. ۱۳۸۰. تاریخ الادب العربی. تهران: توس.
- فن الشعر، ارسطو. شرح و ترجمه عبد الرحمن بدوی، مصر، مكتبه النهضه المصریه، ۱۹۵۳.
- گوهرین، صادق. ۱۳۵۶. حجه الحق ابو علی سینا. تهران: توس.
- المجانی الحدیثه، فواد افرام البستانی، بیروت، المكتبه الكاتولیکیه، ج ۱، ص ۳۱.
- مرعشی، محمود. ۱۳۴۱. ابن سینا. قم: نوین.
- نوابغ الفكر العربی، احمد فواد الاهرام، دارالمعارف.